

## تفتیح و داروهای مفتّح در طب سنتی ایرانی

سید محمد نظری<sup>الف</sup>، شکوه سادات حامدی<sup>ب</sup>، محمدرضا مهری<sup>ج</sup>، حمیدرضا حسین‌زاده<sup>د</sup>

<sup>الف</sup> استادیار طب سنتی، گروه طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد  
<sup>ب</sup> دستیار تخصصی داروسازی سنتی، گروه داروسازی سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>ج</sup> دستیار تخصصی طب سنتی، گروه طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد  
<sup>د</sup> دستیار تخصصی طب سنتی، گروه طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

### چکیده

سابقه و هدف: طب سنتی ایران مکتبی علمی است که در زمینه تشخیص و درمان بیماری‌ها سابقه دیرینه دارد. بیماری‌های انسدادی و داروهای مفتّح در طب سنتی ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. دانشمندان طب سنتی ایران با مکانیسم اثر و کاربرد داروهای طبیعی آشنایی کامل داشته و در زمینه تشخیص و درمان بیماری‌های انسدادی راهکارهای متفاوتی را ارائه کرده‌اند. لذا با عنایت به شیوع نسبتاً بالا و اهمیت بیماری‌های انسدادی (به‌ویژه بیماری‌های انسدادی عروق کرونر و مغز) در میزان مرگ‌ومیر و سال‌های از دست رفته عمر، بر آن شدیم تا با بررسی کتب طبّی ایرانی از نظرات آنها در خصوص داروهای مفتّح و مکانیسم اثر آنها بهره‌مند شویم. مواد و روش‌ها: در این مطالعه که یک بررسی مروری از نوع تشریحی است، پس از بررسی منابع اصیل طب سنتی ایران، نسبت به استخراج مفردات مفتّح اقدام و بر اساس تأکید حکما و اتفاق نظر آنها در فعل تفتیح هر دارو، امتیاز مورد نظر به هر کدام تعلق گرفت. یافته‌ها: نتایج حاصل از این بررسی نشان داد فرایند تفتیح، نسبت مستقیم با طبیعت مفرده، خصوصاً کیفیت حرارت آن دارد. بحث و نتیجه‌گیری: با معرفی داروهای مفتّح مذکور، می‌توان لیستی از داروهای مفتّح را بر اساس قدرت اثر آنها در اختیار پزشکان طب سنتی قرار داد تا در صورت لزوم و بر حسب مزاج بیمار و دارو، در درمان بیماری‌های انسدادی به‌کار برند. **کلید واژه‌ها:** تفتیح، طب سنتی ایران، داروی مفتّح، سده.

تاریخ دریافت: دی ۹۳

تاریخ پذیرش: بهمن ۹۳

### مقدمه:

۲. افعال جزئی: افعالی که مخصوص به عضوی خاص

هستند.

۳. افعال شبه کلی: که هرچند مخصوص عضو خاصی

هستند، ولی همه اعضا از آن منتفع می‌شوند (۱، ۲، ۸، ۱۳).

افعال کلی خود به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند:

افعال اولیه که از کیفیات اولیه صادر می‌شود، شامل:

تسخین، تبرید، تبییس و ترطیب است.

تجویز دارو در طب سنتی ایران همواره قسمت مهم درمان پس از تشخیص بوده است، تا آنجا که در تمامی کتب سنتی بخشی از کتاب، به دارو و افعال و خواص آنها پرداخته است. حکیم ابن سینا در کتاب دوم قانون برای افعال قوای داروها سه مرتبه مقرر کرده است (۱)، که به سه دسته کلی، جزئی و شبه کلی تقسیم می‌شوند:

۱. افعال کلی: که مخصوص عضو خاصی نیست.

افعال ثانویه نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- افعال اولیه‌ای که قدر و اندازه خاصی دارند.

ب- غیر افعال اولیه، که منشأ آنها همان کیفیات اولیه‌اند و به پنج طبقه تقسیم می‌شوند: (۱۴، ۱۳، ۱۲)

۱. صفات مربوط به حرارت شامل: مُسَخِّن، مُطَفِّف،

مُفَتِّح، مُخَشِّن، جالی، مُرخی، مُنْضِج، هاضم، مُقَطِّع، جاذب، لاذع، مُحَرِّر، مُحَكِّك، مُقَرِّح، أَكَال، مُحَرِّق، مُعَفِّن.

۲. صفات مربوط به برودت: مُبَرِّد، مقوئی، رادع، مُغْلَظ، مُفَجِّج و مُخَدِّر.

۳. صفات مربوط به رطوبت: مُرَطِّب، مُنْفَخ، غَسَّال، مَوْسَخ، ملزق، مملس.

۴. صفات مربوط به بی‌بوست: مُجَفِّف، عاصِر، قابض، مُسَلِّد، مُغَرِّی، مُدَمِّل، مُنَبِّت، مُلَحِّم و خَاتِم.

افعال منسوب به صورت نوعیه: که یا موافق طبیعت‌اند یا مخالف آن.

حال بر اساس پروتکل درمانی تعیین‌شده در طب سنتی، پزشک داروی مورد نظر خود را با آگاهی از کیفیات، افعال و خواص مربوط به داروی مزبور انتخاب می‌کند. بدیهی است عدم آشنایی با افعال داروها، چه مفرده و چه مرکبه، می‌تواند روند بهبود را به تأخیر بیندازد و حتی متوقف کند و بعضاً باعث صدمات جبران‌ناپذیر برای بیمار شود. لذا در این مقاله به بررسی یکی از مهمترین افعال منسوب به گرما یعنی تفتیح پرداخته و در ادامه مهمترین داروهای مُفَتِّح بیان می‌شود.

تعریف تفتیح: (۲، ۱۳، ۱۴)

تفتیح فعل مربوط به داروی مُفَتِّح است که در لغت به معنی بازکننده است و از نظر طب سنتی دارویی را گویند که مواد و اخلاطی را که در مجاری و منافذ و تجاويف اعضا مانده باشد به سمت خارج هدایت کرده و بیرون کند تا مسامات مجدداً باز شوند. به بیان دیگر مواد داخل مجاری را به حرکت درآورده و نه تنها از راه فوّهات (منافذ) آنها را دفع می‌کند، بلکه می‌تواند از مخرج‌های دیگر نیز مواد را دفع و خارج کند. به تعبیری

دیگر دارویی است که ماده‌های که بیرون آمدن آن متعذّر و متعسّر است را هنگام فعل حرارت غریزی در مجرا، از مجرای مسدود بیرون می‌آورد. مکانیسم دیگر داروی مُفَتِّح این است که داروی مُفَتِّح اگر همراه با حرارت، قبض نیز داشته باشد می‌تواند بافت اطراف عروق و اعضا و احشاء و اعصاب را منقبض کرده و باعث باز شدن مسیر شود.

ماهیت داروی مُفَتِّح: (۲، ۷، ۱۴، ۱۳)

فعل داروی مُفَتِّح از داروی جالی قوی‌تر است. سه مکانیسم برای داروی مُفَتِّح حدس زده می‌شود که عبارت‌اند از: تلطیف و تحلیل، تلطیف و تقطیع، تلطیف و تغسیل. بنابراین حدس زده می‌شود که هر داروی تند باید مُفَتِّح نیز باشد و هر ماده تلخ نیز مُفَتِّح است و هر ماده لطیف و سیال اگر مُفَتِّح باشد متمایل به گرمی است و نهایتاً هر ماده ترش و لطیف نیز مُفَتِّح است.

چند نکته در مورد داروهای مُفَتِّح قابل توجه است: اول اینکه برای تفتیح سده‌ها، دوری و نزدیکی موضعی که داروی مُفَتِّح بر آن باید اثر کند و غلظت ماده از عوامل تعیین‌کننده هستند. نکته دیگر اینکه برخی داروهای مُفَتِّح از جمله افسنتين که مُفَتِّح قوی سده‌های کبدی هستند، چنانچه به‌صورت موضعی (ترانس درمال) و از طریق خارجی مصرف شوند به دلیل قبوضت موجود در گیاه، بیشتر منافذ پوست بسته شده و عمل تفتیح به‌خوبی صورت نخواهد گرفت (۱، ۱۳).

اهمیت تفتیح و سده: (۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۱)

تفتیح در درمان بیماری‌ها، به‌خصوص بیماری‌های انسدادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر جا سخن از تفتیح باشد قطعاً سده‌ای نیز وجود دارد. لذا قبل از هر چیز باید دید که مفهوم سده از منظر طب سنتی چیست:

سده که جمع آن سدد است، در لغت به معنی گرفتگی است و از منظر طب سنتی، هر گونه گرفتگی چه در عروق و اعصاب، چه در اعضا و افواه و چه در مسامات را شامل می‌شود.

دلایل مختلفی که در طب سنتی ایران برای سده ذکر شده است که عبارت‌اند از:

## مواد و روش‌ها:

این مطالعه یک بررسی مروری از نوع تشریحی در مورد داروهای مفتّح است. نحوه تحقیق بدین صورت بوده است که پس از بررسی کتب اصیل طب سنتی، از جمله: قانون، مخزن الادویه، تحفه المؤمنین، طب اکبری، قراپادین کبیر، اکسیر اعظم و خلاصه الحکمه، در خصوص جستجوی تعاریف اولیه، از جمله: تعریف تفتیح، مکانیسم و ماهیت داروی مفتّح، اهمیت داروی مفتّح و تعریف سده، علل سده و علائم وجود سده، به جستجوی مفردات مفتّح در کتاب قانون، و به تبع آن در کتب مقدم به قانون، شامل الحاوی و کتب مؤخر آن، از جمله: مخزن الادویه، تحفه المؤمنین، تذکره داوود انطاکی و الشامل پرداختیم. پس از استخراج مفردات مفتّح، بر اساس تأکید حکما و اتفاق نظر آنها در فعل تفتیح هر دارو، امتیاز مورد نظر به هر کدام تعلّق گرفت. نحوه امتیازدهی به این صورت بود که با توجه به مفتّح بودن مفردة، امتیاز ۲ و اگر فقط مفتّح افواه عروق ذکر شده بود، امتیاز یک برای مفردة در نظر گرفته شد. اتفاق نظر حکما (تکرار) یک امتیاز و تأکید ایشان نیز یک امتیاز را به خود اختصاص داد. در نهایت امتیازات به دست آمده با هم جمع و در ستون انتهایی جدول درج شد (جدول شماره ۱).

غلاظت خلط دم در عضو مورد نظر - قوت ماسکه و ضعف دافعه عضو - تنگی عروق (که به علت نوع خلقت آن باشد) - انقباض بیش از اندازه در عضو یا رگ یا قوّهات (دهانه‌ها) و مسامات مربوطه - اتصال ماده سدکننده در مجاری - وجود زائده‌ای در مجاری - انطباق مجاری به سبب ورم ضاغط (فشارنده) و قبض مجرا و یا التحام منفذ پس از قرحه (جراحت) و یا تولّد خلط غلیظ لزج (چسبنده) در عضو.

از نظر حکیم ابن سینا، سده اگر در عضو رخ دهد سنگینی کمتر و تمدّد و انبساط بیشتر می‌دهد و اگر در مجاری باشد همراه با سنگینی و ثقل است. در واقع از علائم وجود سده در مجاری، گرانی و ثقل و در اعضا، امتلاء در آن عضو است. باید توجه داشت که در ابتدای سده، تب وجود ندارد، اما اگر به هر علتی زمان این انسداد طولانی شود منجر به عفونت در عضو مزبور شده و می‌تواند باعث بروز تب، ورم و ریح شود. در این حالت بهتر است که با به‌کار بردن داروی مفتّح که در آن اندک تسخینی (گرم‌کردنی) وجود دارد ابتدا به درمان سده پرداخت و در علاج سده نباید از مبرّدات (سردکننده‌ها) استفاده کرد. زیرا که مفتّحات علاوه بر گشودن سدد، برای تب نیز سودمند هستند.

جدول شماره ۱: مفردات مفتّح و مقایسه آنها در کتب مختلف (۱،۲،۳،۴،۵،۶)

| ردیف | نام مفردة | قانون                                   | الحاوی                                         | الشامل                            | مخزن الادویه | تحفه المؤمنین              | تذکره انطاکی | امتیاز |
|------|-----------|-----------------------------------------|------------------------------------------------|-----------------------------------|--------------|----------------------------|--------------|--------|
| ۱    | انیسون    | مفتّح مع قبض (ا.خ.ذ)                    | -                                              | مفتّح سده کلیه، مثانه، کبد و طحال | مفتّح        | مفتّح سده جگر و سپرز       | -            | ۱۲     |
| ۲    | اذخر      | یفتح افواه العروق                       | مفتّحه لافواه العروق                           | مفتّح دهانه عروق                  | مفتّح        | مفتّح                      | مفتّح        | ۱۲     |
| ۳    | اقحوان    | یفتح السدد (د.خ.ذ)<br>یفتح افواه العروق | دهن اقحوان مفتّح لافواه العروق                 | مفتّح مخصوصا مفتّح دهانه عروق     | مفتّح        | مفتّح سده جگر و افواه عروق | یفتح السدد   | ۱۸     |
| ۴    | اسطوخودوس | یفتح السدد                              | یمکن فیه ان یفتح ...<br>جميع الاعضاء           | مفتّح                             | مفتّح سده ها | مفتّح سدد                  | مفتّح        | ۱۸     |
| ۵    | اشق       | یبلغ من تفتیحه ....من افواه العروق      | -                                              | مفتّح                             | -            | مفتّح سده جگر              | -            | ۱۰     |
| ۶    | اشنان     | مفتّح                                   | -                                              | مفردة ذکر نشده                    | -            | مفتّح                      | -            | ۶      |
| ۷    | ازاددرخت  | فقاحه مفتّح للسدد (ت.خ.ذ)               | -                                              | مفردة ذکر نشده                    | مفتّح        | مفتّح سده دماغی            | یفتح السدد   | ۱۲     |
| ۸    | ایرسا     | مفتّح                                   | ینفع فی الادویه التي یکمد بها الرحم، لانه یفتح | مفتّح                             | -            | -                          | یفتح السدد   | ۱۲     |

| ردیف | نام مفرد  | قانون                                       | الحاوی                                           | الشامل             | مخزن الادویه            | تحفه المؤمنین            | تذکره انطاکی                                         | امتیاز |
|------|-----------|---------------------------------------------|--------------------------------------------------|--------------------|-------------------------|--------------------------|------------------------------------------------------|--------|
| ردیف | نام مفرد  | قانون                                       | الحاوی                                           | الشامل             | مخزن الادویه            | تحفه المؤمنین            | تذکره انطاکی                                         | امتیاز |
| ۹    | بان       | یفتح مع الخل و الماء<br>سددا الاحشاء        | -                                                | مفرد ذکر نشده      | مفرد ذکر<br>نشده        | مفرد ذکر نشده            | -                                                    | ۳      |
| ۱۰   | بابونج    | مفتح (ا.خ.ذ)                                | مفرد ذکر نشده                                    | مفتح               | مفتح                    | مفتح                     | مفرد ذکر<br>نشده                                     | ۱۱     |
| ۱۱   | بازاورد   | فيه قوه مفتحه (د.خ.ذ)                       | -                                                | مفتح               | -                       | مفتح سد                  | -                                                    | ۹      |
| ۱۲   | بلسان     | یفتح السد (ا.خ.ذ)                           | مفرد ذکر نشده                                    | مفرد ذکر نشده      | -                       | -                        | -                                                    | ۳      |
| ۱۳   | برنجاسف   | مفتح جداً (د.خ.ذ)                           | مفرد ذکر نشده                                    | تفتیح قوی          | مفتح                    | مفتح                     | مفتح للسدد                                           | ۱۵     |
| ۱۴   | بصل       | فيه مع قبض له تفتیح قوی                     | مفرد ذکر نشده                                    | مفتح               | مفتح<br>سدّه (ا.خ.ذ)    | مفتح سدّه دماغی          | یفتح السدد                                           | ۱۶     |
| ۱۵   | بطیخ      | البطیخ الغير النضیج... فی<br>تفتیح کیفماکان | مفرد ذکر نشده                                    | مفتح قوی           | مفتح سد                 | مفتح سدّه                | یفتح السدد                                           | ۱۶     |
| ۱۶   | برشیاوشان | مفتح                                        | مفرد ذکر نشده                                    | مفتح               | مفتح                    | مفتح                     | -                                                    | ۱۲     |
| ۱۷   | بنجنکشت   | فيه تفتیح مع قبض                            | -                                                | مفتح               | مفتح سدّه دماغ<br>و کبد | مفتح                     | مفرد ذکر<br>نشده                                     | ۱۲     |
| ۱۸   | جنطیانا   | مفتح (ا.خ.ذ) و اصله بالغ فی<br>التفتیح      | یفتح السدد                                       | مفتح قوی           | مفتح سد                 | مفتح                     | تفتح السدد                                           | ۲۰     |
| ردیف | نام مفرد  | قانون                                       | الحاوی                                           | الشامل             | مخزن الادویه            | تحفه المؤمنین            | تذکره انطاکی                                         | امتیاز |
| ۱۹   | جعه       | مفتح (ا.خ.ذ)                                | یفتح جمیع السدد<br>الحادثه فی الاعضاء<br>الباطنه | تفتیحاً شديداً     | مفتح سد<br>جمیع اعضاء   | مفتح (ا.خ.ذ)             | تقع فی التریاق<br>الكبير ... والنفع<br>من ... والسدد | ۲۱     |
| ۲۰   | دارصینی   | مفتح (د.خ.ذ)                                | یفتح                                             | مفتح               | به غایت مفتح            | مفتح                     | یفتح الصمم<br>قطوراً                                 | ۱۹     |
| ۲۱   | دوقو      | مفتح جداً (ت.خ.ذ)                           | -                                                | مفتح               | تفتیح                   | مفتح                     | به عنوان کرفس<br>ذکر شده                             | ۱۶     |
| ۲۲   | دهن اللوز | (خصوصاً المر) مفتح<br>(ت.خ.ذ)               | -                                                | مفرد ذکر نشده      | مفرد ذکر<br>نشده        | مفرد ذکر نشده            | -                                                    | ۳      |
| ۲۳   | هوفاریقون | مفتح                                        | -                                                | مفتح سدّه بقوت     | مفتح سد                 | مفتح سد                  | (مع بزر<br>السذاب) یفتح<br>السدد                     | ۱۶     |
| ۲۴   | هندبا     | یفتح سد الاحشاء و العروق                    | مفتح لسدد الکبد                                  | مفتح احشاء و عروق  | مفتح (ا.خ.ذ)            | مفتح سد                  | -                                                    | ۱۸     |
| ۲۵   | هلیون     | یفتح سد الاحشاء کلها<br>(ا.خ.ذ)             | یفتح سد الکبد و الکلی                            | گشاینده سدّه احشاء | مفتح سد                 | مفتح سدّه جگر<br>(ا.خ.ذ) | -                                                    | ۱۷     |
| ۲۶   | ورد       | هو مفتح (د.خ.ذ)                             | -                                                | مفتح               | -                       | مفتح                     | -                                                    | ۹      |
| ۲۷   | وج        | مفتح                                        | ینفع من السدّه                                   | -                  | مفتح                    | -                        | -                                                    | ۹      |
| ۲۸   | زعفران    | حرارته معتدله مفتح                          | مفتح لسدد الکبد                                  | مفتح               | مفتح سدّه دماغ          | مفتح                     | -                                                    | ۱۵     |

| ردیف | نام مفرد    | قانون                                          | الحاوی                                                                    | الشامل        | مخزن الادویه               | تحفه المؤمنین                | تذکره انطاکی          | امتیاز |
|------|-------------|------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------|---------------|----------------------------|------------------------------|-----------------------|--------|
| ۲۹   | زراوند      | مفتّح                                          | -                                                                         | مفتّح         | مفتّح سدد                  | مفتّح سده                    | -                     | ۸      |
| ردیف | نام مفرد    | قانون                                          | الحاوی                                                                    | الشامل        | مخزن الادویه               | تحفه المؤمنین                | تذکره انطاکی          | امتیاز |
| ۳۰   | حمص         | (کلاهما) مفتّح (ا.خ.ذ)                         | یفتّح سدداکبد و الکلی و الطحال                                            | مفتّح قوی     | مفتّح سده جگر              | مفتّح سده جگر                | فتح السدد بملوحتّه    | ۲۰     |
| ۳۱   | حبه الخضراء | فیه تفتیح جید                                  | یفتّح المجاری الضیقّه                                                     | مفتّح عالی    | مفتّح سده گرده             | تفتیح سدد                    | یفتّح السدد           | ۲۰     |
| ۳۲   | طلحشقوق     | مفتّح (د.خ.ذ)                                  | -                                                                         | مفرد ذکر نشده | تحت نام هندبای بری ذکر شده | مفرد ذکر نشده                | تحت نام هندبا ذکر شده | ۳      |
| ۳۳   | کبابه       | مفتّح (ا.خ.ذ)                                  | اکثر تفتیحاً من دارصینی للسدد العارضه فی الاحشاء                          | مفتّح         | به غایت مفتّح              | مفتّح قوی سده احشاء          | -                     | ۱۷     |
| ۳۴   | کرسنه       | مفتّحه (ا.خ.ذ)                                 | یقیح (!) السدد                                                            | مفتّح         | مفتّح سده (ا.خ.ذ)          | مفتّح سدد                    | -                     | ۱۶     |
| ۳۵   | کاشم        | یفتّح (د.خ.ذ)                                  | یفتّحالسدالتیفیالکبدمنالیه ردوالرطویه                                     | مفتّح قوی     | مفتّح سده جگر              | مفتّح سدد (ا.خ.ذ)            | -                     | ۱۶     |
| ۳۶   | کبر         | مفتّح (د.خ.ذ)                                  | یفتّح                                                                     | مفتّح بقوت    | مفتّح (ا.خ.ذ)              | مفرد ذکر نشده                | یزیل السدد            | ۱۶     |
| ۳۷   | کرفس        | مفتّح السدد (د.خ.ذ)                            | فتاحالسددفیالکبد                                                          | مفتّح         | مفتّح (ا.خ.ذ)              | به غایت مفتّح سده جگر و سپرز | یفتّح ... و السدد     | ۱۹     |
| ۳۸   | لاذن        | مفتّحه لافواه العروق                           | مفتّحه افواه العروق                                                       | تفتیح قوی     | مفتّح انسداد عروق          | مفتّح دهن                    | -                     | ۱۰     |
| ردیف | نام مفرد    | قانون                                          | الحاوی                                                                    | الشامل        | مخزن الادویه               | تحفه المؤمنین                | تذکره انطاکی          | امتیاز |
| ۳۹   | لوف         | مفتّح للسدد (ا.خ.ذ)                            | (اصله) یفتّح سدجميع الاحشاء                                               | مفتّح         | مفتّح سده کبد              | مفتّح سدد                    | یفتّح السدد شرباً     | ۱۹     |
| ۴۰   | لسان الحمل  | فیه تفتیح لجلاء فیه                            | -                                                                         | مفتّح         | مفتّح سده                  | مفتّح                        | مطلق السدد            | ۱۵     |
| ۴۱   | لوز         | فیه تفتیح (الحلو اضعف بکثیر من المر فی تفتیحه) | یفتّحالسدالعارضهفیالکبدعناالأخلاط الغلیظه اللزجهفیأقصىالعر وقتفتیحابالیغا | مفتّح سده جگر | مفتّح (ا.خ.ذ)              | تفتیح سدد                    | یفتّح السدد           | ۱۹     |
| ۴۲   | لبلاب       | مفتّح (د.خ.ذ)                                  | متی طیح مائه فتح السدد                                                    | مفتّح سدد     | مفتّح (ا.خ.ذ)              | چون بجوشانند تفتیح غالب      | -                     | ۱۶     |

ا.خ.ذ = اولین خاصیت ذکرشده برای مفرد مذکور در کتاب.

د.خ.ذ = دومین خاصیت ذکرشده برای مفرد مذکور در کتاب.

ت.خ.ذ = تنها خاصیت ذکرشده برای مفرد مذکور در کتاب.

جدول شماره ۲: طبیعت هر یک از ادویه مفتّح (۱،۲)

| ردیف | نام مفرد    | طبیعت                                                               |
|------|-------------|---------------------------------------------------------------------|
| ۲۴   | ورد         | مركب القوی با جوهر مایی و ارضی                                      |
| ۲۵   | وج          | در سیم گرم و در وسط دویم خشک                                        |
| ۲۶   | زعفران      | در دویم گرم و در اول خشک و بعضی در سیم گرم و در دویم خشک گفته‌اند   |
| ۲۷   | زراوند      | در سیم گرم و در دویم خشک                                            |
| ۲۸   | حمص         | در اول گرم و خشک                                                    |
| ۲۹   | حبه الخضراء | در اول گرم و خشک و خشک آن در سیم گرم و خشک                          |
| ۳۰   | کبابه       | در دویم گرم و خشک و بعضی در سیم گفته‌اند                            |
| ۳۱   | کرسنه       | در اول تا دویم گرم و در دویم خشک                                    |
| ۳۲   | کاشم        | در سیم گرم و خشک                                                    |
| ۳۳   | کبر         | در دویم گرم و خشک                                                   |
| ۳۴   | کرفس        | در اول دویم گرم و خشک                                               |
| ۳۵   | لاذن        | در اول گرم و در دویم خشک                                            |
| ۳۶   | لوف         | در آخر دویم گرم و خشک و با جوهر ارضی                                |
| ۳۷   | لسان الحمل  | در دویم سرد و خشک و تخم و بیخ آن را یبوست زیاده از برگ و برودت کمتر |
| ۳۸   | لوز         | در اول گرم و تر و معتدل نیز گفته‌اند                                |
| ۳۹   | لبلاب       | مركب القوی                                                          |

## یافته‌ها:

در بررسی‌های به عمل آمده بر روی داروهای مفتّح ذکرشده، مشاهده می‌شود که در بین ۴۲ داروی مفتّح ذکرشده در کتب مختلف، بر اساس طبیعت مفرد، چهار دسته گرم و خشک، سرد و خشک، سرد و تر و مرکب القوی وجود دارد که بیش از ۹۰ درصد آنها گرم و خشک بوده و سه گروه دیگر کمتر از ۱۰ درصد داروها را تشکیل می‌دهند. پس از بررسی متون، بیشترین امتیاز مربوط به گیاه جَعَدَه بود با ۲۱ امتیاز و سپس جنطیانا، حبه الخضراء و حمص با ۲۰ امتیاز در رتبه دوم و دارچینی، کرفس، لوز و لوف با کسب ۱۹ امتیاز رتبه سوم را داشتند. اقحوان، اسطوخودوس و هندبا (کاسنی) نیز با کسب ۱۸ امتیاز از قدرت تفتیح خوبی برخوردار بوده و در رتبه چهارم قرار گرفتند. این چهار گروه از نظر متون، بر قدرت

| ردیف | نام مفرد  | طبیعت                                                                         |
|------|-----------|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | انیسون    | گرم و خشک در آخر دویم و تا سیم                                                |
| ۲    | اذخر      | گرم و خشک در دویم و در سیم نیز گفته‌اند                                       |
| ۳    | اقحوان    | در سیم گرم و در دویم خشک                                                      |
| ۴    | اسطوخودوس | گرم و خشک در درجه اول و در دویم نیز گفته‌اند                                  |
| ۵    | اشق       | گرم در اول دویم و بعضی در سیم و در آخر اول خشک                                |
| ۶    | اشنان     | گرم در سیم و خشک در آخر دویم                                                  |
| ۷    | ازاددرخت  | در اول سیم گرم است و در آخر اول خشک و بعضی در دویم خشک                        |
| ۸    | ایرسا     | در اواخر دویم گرم و در خشکی کمتر                                              |
| ۹    | بان       | در دویم گرم و در آخر اول خشک                                                  |
| ۱۰   | بابونج    | در دویم گرم و در آخر اول خشک                                                  |
| ۱۱   | باذاورد   | گرم و خشک در اول                                                              |
| ۱۲   | برنجاسف   | در اول سیم گرم و خشک و نیز در دویم گرم و در آخر اول خشک گفته‌اند              |
| ۱۳   | بصل       | در آخر سیم گرم و در اول سیم خشک و با رطوبت فضلیه                              |
| ۱۴   | بطیخ      | در حرارت معتدل و در دویم تر                                                   |
| ۱۵   | برشیاوشان | معتدل مایل به گرمی و خشکی                                                     |
| ۱۶   | بنجنکشت   | جميع اجزای آن در حرارت قریب به اعتدال و در سیم خشک                            |
| ۱۷   | جنطیانا   | در اول سیم گرم و خشک بعضی در دویم خشک گفته‌اند                                |
| ۱۸   | جعهده     | گرم و خشک در آخر دویم و بعضی در سیم خشک گفته‌اند                              |
| ۱۹   | دارصینی   | در آخر دویم گرم و خشک                                                         |
| ۲۰   | دوقو      | در سیم گرم و در دویم خشک و بعضی در دویم گرم و خشک دانسته‌اند                  |
| ۲۱   | هوفاریقون | در سیم گرم و خشک و گفته‌اند خشکی آن زیاده از گرمی آنست                        |
| ۲۲   | هندبا     | تر و تازه آن در آخر اول سرد و تر و با اجزای حاره لطیفه که از شستن زایل می‌شود |
| ۲۳   | هلیون     | در اول گرم و در دویم خشک و بعضی گرم و خشک                                     |

تفتیح آنها اتفاق نظر داشته و جزو داروهای مفتَح جید (نیکو) با قدرت تفتیح در تمامی اعضا محسوب می‌شوند. سایر مفردات نیز به دلیل تکرارپذیری کمتر، از امتیاز کمتری برخوردار بودند و کاربرد آنها به‌عنوان مفتَح در موارد و تفتیح برخی اعضا که در متون ذکر شده است، می‌تواند ارزشمند باشد. تعدادی از این مفردات امتیاز زیر ۱۰ را کسب کردند که از نظر برخی متون و فقط برای برخی حکما اثر آنها به‌عنوان مفتَح تجربه شده است و بنابراین از اهمیت کمتری برخوردارند.

### نتیجه‌گیری:

در این مطالعه، پس از بررسی طبیعت مفتحات یافت‌شده در متون، در مفردات با طبیعت گرم و خشک از آنجایی که تفتیح از افعال منسوب به حرارت است، اگر گرمی بر خشکی غالب باشد، تفتیح در این مفردات امری بدیهی به نظر می‌رسد (۱،۲،۱۰). اما در مفردات گرم و خشک با غلبه خشکی بر گرما، پس از بررسی مکانیسم تفتیح این مفردات در کتاب الشامل، مشخص شد که در این گروه این خشکی ناشی از ارضیت محترق موجود در جوهر آنها است که لطیف است و بدون شک مُلطّف نیز است. از طرفی به‌دلیل وجود جزء ناری در این داروها، محلّک نیز هستند که در نتیجه تحلیل و تلطیف موجود در این گیاهان سبب تفتیح آنها می‌شود. از طرفی برخی از این مفردات همان‌طور که قبلاً ذکر شد، سرد و خشک، سرد

و تر و یا مرکب القوی هستند که البته در اقلیت هستند. مکانیسم پیشنهادی کتاب الشامل برای مفردات سرد و تر (با اینکه سردی و تری در این گونه مفردات زیاد است) این است که آنها دارای اجزاء لطیف ناری و نیز جزء ارضی محترق به میزان ناچیز هستند که می‌تواند باعث توجیه عملکرد تفتیح این گیاهان باشد. از طرفی مفردات سرد و خشک و مرکب القوی هم به‌دلیل وجود خشکی آنها که باز هم ناشی از ارضیت محترق آنهاست، می‌توانند خاصیت تفتیح و جلا را داشته باشند (۳). حال با این تفاسیر باید گفت که فرایند تفتیح، نسبت مستقیم با طبیعت آنها و به‌خصوص با کیفیت حرارت دارد، چه حرارت مربوط به جوهر مفرده باشد، چه منفصل از جوهر و وابسته به جزء محترق در آن. باید گفت فرایند تفتیح به طبیعت در روند بهبود بیماری به‌خصوص بیماری‌های انسدادی کمک می‌کند و در این زمینه شناخت اصول و مبانی تفتیح ضروری به نظر می‌رسد. نکته دیگر اینکه امروزه با افزایش روزافزون بیماری‌های انسدادی، با معرفی داروهای مفتَح فوق، پزشکان طب سنتی لیستی از داروهای مفتَح را بر اساس اولویت در اختیار داشته و می‌توانند در صورت لزوم در درمان این بیماری‌ها به کار برند.

## References:

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، قانون فی الطب، تصحیح: حسان جعفر، ج ۳، مرکز لبنانی طب البیدل، بیروت، ۲۰۰۹.
۲. عقیلی خراسانی، محمدحسین، مفردات مخزن الادویه، تصحیح: رحیمی، روجا. شمس اردکانی، محمد رضا. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۸۹.
۳. ابن نفیس القرشی، علاءالدین، الشامل فی الصنایع الطبیه، تصحیح: زیدان، یوسف، انتشارات مجمع الثقافی، ابوظبی، ۲۰۰۰.
۴. تنکابنی، سید محمد مؤمن، تحفه المؤمنین، تصحیح: رحیمی، روجا. شمس اردکانی، محمدرضا. فرجامند، فاطمه. انتشارات نشر شهر، تهران، ۱۳۸۶.
۵. رازی، محمد ابن زکریا، الحاوی، ترجمه: افشاری پور، سلیمان. ج ۲۱ و ۲۲، انتشارات فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۶. ضریر انطاکی، داوود، تذکره اولی الالباب و الجامع لتهج العجائب، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۷. حکیم احمدالله خان، تفریحالقلوب (ترجمه فارسی رساله ادویه قلبیه ابن سینا)، تصحیح: سید ظل الرحمن، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طباسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۹. عقیلی خراسانی، محمدحسین، قرابادین کبیر، ج ۱، انتشارات نور روحی، موسسه احیاء طب طبیعی، قم، ۱۳۹۰.
۱۰. عقیلی خراسانی، محمدحسین، خلاصه الحکمه، تصحیح: ناظم، اسماعیل. انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۵.
۱۱. ارزانی، محمد اکبر، طب اکبری، تصحیح: موسسه احیاء طب طبیعی، انتشارات جلال الدین، قم، ۱۳۸۷.
۱۲. اعظم خان، محمد، اکسیر اعظم، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۸۴.
۱۳. صادقیپور، امید، مقدمات و مبانی داروسازی، انتشارات المعی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۴. افشاری پور، آشنایی با مبانی داروسازی و اشکال دارویی سنتی، انتشارات چوگان، تهران، ۱۳۹۲.
۱۵. صومی، محمد حسین، مینایی، محمد باقر، کمالی نژاد، محمد، مصدق، محمود، محمدی، قدیر، سده کبد از دیدگاه ابن سینا و سایر حکمای طب ایرانی، مجله طب سنتی اسلاموایران، ۱۳۹۱، سال سوم، شماره چهارم، صص ۴۵۱-۴۶۰.